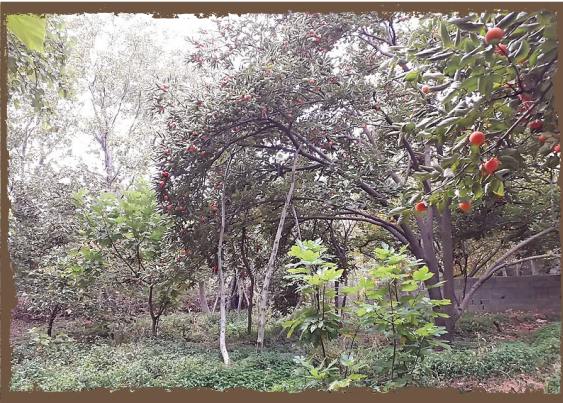


ماجرای باغی که خارج از نوبت آبیاری شد



حاج ملاقاسبی زردیف دوم، سمت راست، نفر سوم نشسته.

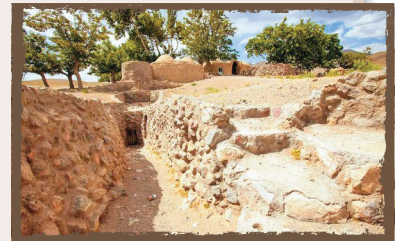
زمین‌های کشاورزی را نمی‌دادند. از آنجا که زندگی مردم کن هم عمدتاً از راه کشاورزی می‌گذشت مردم دچار گرفتاری زیادی شده بودند. از طرف دیگر چون محل درآمد حاج ملاقاسبی زمین‌های کشاورزی بود، چند تن از دست‌اندرکاران تقسیم آب تصمیم می‌گیرند خارج از نوبت باغ آیت‌الله را آبیاری کنند. فردای آن روز که آیت‌الله به باغش می‌رود، می‌بیند خارج از نوبت باغش آبیاری شده. پیگیر ماجرا می‌شود و به او می‌گویند برای جلوگیری از خشک شدن درختان باغش این کار را کرده‌اند. همانجا با عصبانیت به آنها می‌گوید که این کارتان اشتباه بوده است. این آب سهم فلان باغ بوده که بچه یتیم در خانه‌شان داشتند، بعدش هم نوبت فلان باغ بوده که صاحبش گرفتاری زیادی در زندگی داشته است. بعد هم برای جبران این نوبت اضافه اقداماتی انجام داد.

به او مراجعه می‌کردند ایشان می‌گفت: خودت نگاه دار. سپس حواله می‌داد به افرادی که مستحق بودند. مثلاً می‌گفت: به آن خانواده یا آن روحانی بدهید و خودش نمی‌گرفت. مرحوم آیت‌الله مهدوی کنی در خاطراتشان نوشته‌اند: «پدرم در مورد فوت حاج ملاقاسبی نقل می‌کرد که شب عروسی ایشان با وفات آقای حاج ملاقاسبی مصادف شد. پدر می‌گفت ما مهمان‌ها را دعوت و برنج را هم آبکش کرده بودیم که خبر آوردند ایشان مرحوم شده است. ما به احترام ایشان عروسی را تعطیل کردیم و کن یکپارچه عزا دار شد و ما برنج و غذاهای آماده را بردیم برای عزاداری ایشان و از عزادارانی که از کن و حومه آمده بودند، پذیرایی کردیم.» مهدوی محمدخانسی از اهالی کن می‌گوید: «نقل است در دوران خشکسالی زمین‌ها و باغات کن در حال نابودی بودند. چاه‌ها و آب رودخانه هم کفاف

■ موضوع: مردم‌داری حاج ملاقاسبی کنی
■ ویژگی: توجه به حق الناس

یکی از روحانیون صاحب جایگاه و با دانش کن، حاج ملاقاسبی کنی است که به نوعی هم‌دوره حاج ملاعلی کنی محسوب می‌شود. در مورد شخصیت و اخلاق مداری ایشان روایت‌های زیادی در میان اهالی کن نقل شده است؛ مردی با ایمان و خداترس که به حق‌الله و حق‌الناس واقف بود. مرحوم مروی در وقفنامه برای مدرسه مروی، یک مدرس و یک تالی مدرس پیش‌بینی کرده که یکی از آنها حاج ملاقاسبی کنی بوده و ایشان به دعوت مرحوم حاج ملاعلی کنی، متولی مدرسه مروی، به تدریس فقه و اصول اشتغال داشتند. نقل می‌کردند که ایشان هیچ‌وقت و جوها (خمس) را خودش نمی‌گرفت، چون خودش مصرف نمی‌کرد. وقتی مردم

روزگار بر بادرفته آسیاب‌های تاریخی



■ موضوع: فعالیت ۴ آسیاب در محله
■ ویژگی: مرکز آرد کردن گندم‌های شمال و غرب تهران

در تهران قدیم رسم بر این بود که کنار قنات‌ها یک آسیاب آبی ایجاد می‌کردند تا هنگام سرازیر شدن آب قنات، چرخ‌های آسیاب به حرکت دربیاید. تهران‌نشین‌ها در روزگار قدیم با این شیوه کاملاً سنتی گندم را به آرد تبدیل می‌کردند تا برای پخت نان از آن استفاده کنند. آسیاب‌های آبی تهران تا پایان دوره قاجار در تهران کاربرد داشتند، اما با گذشت زمان از گزند تخریب‌ها در امان نماندند و یکی پس از دیگری نابود شدند. محله کن هم ۴ آسیاب آبی داشت که باغ‌های پر تعداد و سرسبز این قریه به کمک آنها آبیاری می‌کرد. عبدالله درویش، شاعر و پژوهشگر، درباره روزگار سپری شده آسیاب‌های کن می‌گوید: «یکی از نخستین آسیاب‌های کن که به آسیاب لوی معروف بود در محله سر آسیاب ساخته شد و دومین آسیاب در محله اسماعیلیون قرار داشت که اکنون هیچ‌نامی از آن باقی نمانده است.» درویش درباره معروف‌ترین آسیاب آبی کن می‌گوید: «آسیاب شاه که در مجاورت باغ حاج‌باشی بود تا اواخر دوره قاجار مورد استفاده مردم قرار می‌گرفت و برای خودش جلال و شکوهی داشت. دقیقاً همانجایی که آب وارد آسیاب شاه می‌شد ساختمان مسکونی ساخته‌اند.» عبدالله درویش از آسیابی تاریخی به‌عنوان بازمانده نسل آسیاب‌های آبی کن نام می‌برد که هنوز بقایای آن قابل مشاهده است: «یک آسیاب بین کوه کبودک و پل آهنی قریه کن وجود داشته که از آن به‌عنوان آسیاب تاریخی کن نام می‌برند. این آسیاب سنگ‌های بزرگی داشته و از آنجا که در مسیر رود ساخته شده بود، سنگ‌ها بر اثر فشار آب به حرکت درمی‌آمدند و آردها را آسیاب می‌کردند. آسیاب تاریخی در بخش شمالی کن و بین کن و سولقان قرار دارد و تنها چیزی که از آن باقی مانده همان سنگ‌های عظیمی است که به آسانی جابه‌جا نمی‌شوند.» آنطور که پژوهشگران روایت می‌کنند، کن به تعداد قنات‌هایش آسیاب داشت و از شمیران، فرحزاد و طرشت برای آسیاب کردن آردها به این روستا می‌رفتند، اما امروز جز سنگ‌های آسیاب تاریخی هیچ اثری از میراث فرهنگی کن باقی نمانده است.



پرسه در پناه سایه‌های سبز پرمیوه



استخوان‌های فراوان در آن یافت شد. در پستانک پر از باغ‌های رنگارنگ از انواع میوه‌های رایج کن است اما از آنجا که روزگاری درختان سنجد بسیار داشت نامش را پستانک گذاشتند چون کنی‌ها در گویش محلی به سنجد پستانک می‌گویند. ردپای یکی دیگر از باغ‌های بزرگ و معروف کن را که اکنون آثار کمی از آن به جا مانده است باید در حوالی چهارراه شیدا تا محله سر آسیاب پیدا کرد. این محدوده به کوچه باغ‌پشته معروف است چون چند دهه پیش باغ بزرگی در بلندی تپه بود و کنی‌ها آن را به همین دلیل باغ‌پشته نامیدند. وقتی سخن از باغ‌های وسیع کن به میان می‌آید باید به باغات وقفی این گستره نیز اشاره کرد. کنی‌ها رسم داشتند زمین‌های کشاورزی و باغ‌های میوه خود را وقف کنند. یکی از معروف‌ترین باغ‌های وقفی کن، باغ حاج‌باشی است که بخشی از آن در دوران ناصرالدین‌شاه قاجار وقف امام حسین (ع) شد که متأسفانه بخش‌هایی از آن اکنون به اراضی بیابانی تبدیل شده است.

کن باغ‌های معروف بسیاری داشته است؛ از جمله باغ‌شاه که به دلیل وسعت و تنوع محصولات، قدیمی‌ها آن را باغ‌شاه یا به عبارتی شاه باغ‌های کن نامیده‌اند. این باغ که اکنون چیز زیادی از آن نمانده در نزدیکی امامزاده محمد کن قرار دارد. حکایت یکی دیگر از باغ‌های معروف کن را باید در خاطرات ناصرالدین‌شاه جست‌وجو کرد. سلطان صاحبقران در بخشی از سفرنامه‌اش به خراسان و سمنان نوشته است: «دیگر از میوه‌جات سمنان... انار شیرین است که خیلی وفور دارد، اما انار شیرین کن طهران از انار اینجا بهتر است...» اشاره ناصرالدین‌شاه به باغ بزرگی در نزدیکی محدوده «دوازدهم» و شانه به شانه آسیاب شاه است؛ باغی که پاتوق هر ساله شاه قاجار بود و در فصل پاییز و انارچینی حال و هوایی متفاوت داشت. کن دره‌ای سرسبز دارد به اسم دره پستانک که خود کنی‌ها به آن در پستانک می‌گویند؛ دره‌ای که قرن‌ها پیش قبرستان کن بوده است و هنگامی که اهالی کن زمین‌ها را برای کاشت انواع درختان مثمر شخم زدند

■ موضوع: باغ‌های کن
■ ویژگی: از باغ‌های وسیع خرما لوی کن تا گیلاس، توت و هلوی روستای کشاور

گستره خوش آب و هوای کن میان تهرانی‌ها به باغ‌ها و مزارع کشاورزی‌اش معروف است؛ همان باغ‌های انبوه، کوچه‌باغ‌های دلگشا و درختان کهنسالی که اکنون دیگر به نماد کن تبدیل شده است. اگر از مزارع وسیع گندم، جو و انواع صیفی بگذریم که روزگاری کن را دربر گرفته بود، اکنون نیز مثل گذشته کن در آغوش باغ‌های میوه قرار دارد؛ از باغ‌های خرما لوی که دوسوم از باغ‌های میوه ۴۸۰ هکتاری کن را به خود اختصاص داده تا باغ‌های توت، هلوی متفاوت و خوش‌طعم روستای کشاور، گیلاس مرغوب روستای سنگان و طالون و شاه‌توت روستای سولقان. با توجه به وضعیت جغرافیایی کن، آب و هوای خوش و وجود زمین‌های حاصلخیز فراوان از گذشته تا امروز شمار زیادی از اهالی این گستره با کشاورزی و باغ‌داری روزگار می‌گذرانند.